

## ضعف و قوت انگیزه در پژوهش\*

Mazarbajejani110@yahoo.com

مسعود آذربایجانی / دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۵

### چکیده

تحقیق، پژوهش و واکاوی گره‌های کار در مواجهه با مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی، از جمله رمز و راز موفقیت در زندگی بشر و حل مشکلات پیش رو است. انسان در برخورد با مشکلات در زندگی، همواره به دنبال راه حلی برای این مشکلات است. گاهی با مراجعه به تجربیات گذشته به راحتی می‌توان مسئله و مشکلی را از پیش رو برداشت. اما گاهی اوقات گره‌های درهم تنیده و تودرتو، به راحتی قابل حل نیستند و نیازمند تحقیق عمیق علمی، پژوهش و واکاوی عالمانه علل و عوامل مشکلات است. در این میان، برای حل مشکلات و نیز تحقیق و پژوهش برای آن، رویکردهای گوناگونی وجود دارد: روانشناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، سیاسی و... این مقاله با رویکرد نظری، تحلیلی، روان‌شناختی و با هدف واکاوی نقش انگیزه و قوت و ضعف آن در پژوهش تدوین یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** انگیزه، قوت و ضعف، عوامل سنی، عوامل نشاط.

برای ورود به بحث انگیزه‌های پژوهشی، باید برخی مسائل را مفروض گرفته، از مقدمات و مراحل مورد نیاز و اهداف پژوهش صرف‌نظر کنیم و به بحث خاص انگیزه‌های تحقیق پردازیم. سخن در عناصر روان‌شناختی فرآیند تحقیق، به‌ویژه در جنبه‌های انگیزش تحقیق است. برای شروع بهتر است، این پرسش مطرح است که چرا یک فرد، انگیزه و شوق لازم را برای آغاز کار و تحقیق ندارد؟ در روان‌شناسی، فرد با انگیزه با فرد بی‌انگیزه تفاوت‌های مهمی دارد. برخی از ویژگی‌های فرد با انگیزه عبارت‌اند از:

الف. کنج‌کاو و کنج‌گاو در مسئله: یعنی محقق در زمینه موضوع تحقیق، پرسش‌ها و نایافته‌های بسیاری دارد که حس کنج‌کاو و وی را تحریک می‌کند و او را علاقه‌مند می‌کند تا ابعاد آن را جويا شود؛  
 ب. ذوق و شوق در کار: فرد با انگیزه، با شوق و ذوق مسئله را پیش می‌برد و احساس سستی و بی‌حالی نمی‌کند؛  
 ج. احساس عدم خستگی: محقق شاید از نظر جسمی خسته شود، ولی احساس خستگی نمی‌کند، بلکه بیشتر علاقه‌مند به کار و پیشرفت آن است.

بررسی عوامل ایجاد انگیزه، با عوامل بی‌میلی و بی‌انگیزگی، ملازم یکدیگرند. شناخت آنچه که موجب ضعف انگیزه می‌شود، می‌تواند راه شناخت عوامل تقویت انگیزه را هموار کند؛ زیرا برای ایجاد انگیزه، باید موانع را شناخت و آن را برطرف کرد. آنگاه هم زمینه برای ایجاد انگیزه فراهم می‌شود و هم انگیزه به وجود آمده، می‌تواند انسان را به حرکت وادارد. از این‌رو، این مقاله با رویکرد نظری و تحلیلی و با هدف واکاوی علل و عوامل ضعف و قوت انگیزه در پژوهش تدوین یافته است.

### بی میلی به تحقیق

در باب عواملی که بی‌میلی به تحقیق را دامن می‌زنند، نکاتی چند را باید در نظر داشت:

۱. عدم درک اهمیت موضوع تحقیق؛ اگر اهمیت موضوع پژوهش برای محقق آشکار نباشد و او به درستی علت انجام کار را نداند، انگیزه لازم برای تحقیق به حد کافی نخواهد بود. این همان چیزی است که در ادبیات حوزوی، «علت غایی» نامیده می‌شود. در فلسفه می‌گوییم علت غایی در وجود مؤثر، ولی در ذهن و معرفت مقدم است؛ بدین معنا که هدف تحقیق در ذهن مقدم است. به این معنا که تا محقق نداند چرا این تحقیق را انجام می‌دهد و چه اهمیتی دارد، انگیزه‌ای برای تلاش و کوشش در او به وجود نمی‌آید.

باید توجه داشت اینکه گفته می‌شود ثمره تحقیق، علت غایی آن است، ناظر به عقیده کارکردگرایان نیست. آنان معتقدند: باید به هر چیزی به اندازه‌ای که مفید است، پرداخت. در نتیجه، انگیزه علم‌محوری از میان می‌رود و نتیجه محوری، جایگزین آن می‌شود. البته در این بحث اهمیت موضوع، غیر از ثمرات آن است. اهمیت موضوع گاهی در خود آن موضوع است و گاه در نتایج آن. مثلاً اهمیت یک تحقیق بنیادی در خود اصل موضوع است؛ زیرا

این نوع تحقیق دروازه‌های علم را گشایش بیشتری داده، بدان توسعه می‌بخشد. این همان علم بنیادی یا تحقیق بنیادی است. اما اهمیت تحقیق کاربردی، در نتایج و ثمره‌های آن است. تحقیق باید نافع باشد. چنانکه علم نیز بنابر روایات معصومین علیهم‌السلام باید نافع باشد؛ حدیث علم نافع «قال رسول الله: العلم ثلاثة آية محكمة فريضة عادلته سنة قائم» علم مفید برای بشر سه دسته‌اند: یکی علوم مربوط به شناخت هستی و ارتباط آن با مبدأ خلقت، علم مربوط به شناخت حقوق و قوانین و علوم مربوط به شناخت فرهنگ و روش زندگی برتر (یعقوب کلینی، ۱۳۴۸) یکی از جهاتی که می‌تواند علوم را از یکدیگر جدا کند، ثمربخش بودن یا نبودن آن است. آگاهی از نتایج و ثمره‌های کار تحقیقی، می‌تواند در فرد انگیزش ایجاد کند. البته این نتایج و ثمرات باید برای محقق، ملموس، قابل پیش‌بینی و در دسترس باشد. این امر بسیار مهم است. اگر نتایج، در دسترس نباشد. یا پس از چندین سال تحقق پیدا کند، ممکن است انگیزه کافی را از پژوهشگر بگیرد.

۲. ترسیم نکردن روش مناسب برای تحقیق: با در نظر گرفتن مبدأ و مقصد (وضعیت موجود و مطلوب)، می‌یابد مسیر پژوهش را ترسیم کرد. این مسیر باید به اجمال برای محقق روشن باشد. و این خود موجب ایجاد انگیزه تحقیق است و فرد را برای تلاش در این زمینه تشویق می‌کند. برای مثال، فرض کنید محققی نداند از چه راهی باید برود. گاه از این روش، و گاه از آن روش استفاده می‌کند و سرانجام بازمانده، طرح را رها می‌کند یا با سرعت کمتری پیش می‌رود. از این‌رو، ارائه طرح تحقیق اهمیت پیدا می‌کند؛ زیرا مسیر تحقیق را دست‌کم برای خود محقق روشن می‌سازد.

۳. عدم توجه محقق به توان خویش برای انجام تحقیق: ممکن است در مواردی به همه نکات بالا دقت شود، ولی به این نکته توجه نشود که اجرای طرح از نظر راهی که باید در آن حرکت کرد، یا به لحاظ نتایج، بالاتر از توان و تحمل محقق است. از این‌رو، ملاحظه توانایی محقق از فرسودگی وی جلوگیری کرده، میزان کارآمدی تحقیق را بالا می‌برد.

۴. عدم توجه به تأمین نیازهای محقق: مازلو، در بررسی انواع نیازها که به بیان نیازهای اولیه و متعالی پرداخته و نقش انگیزه را در این زمینه بررسی می‌کند. از نظر وی، بخش اول، نیازهای اولیه (یا نیازهای کمبود) نامیده می‌شود؛ مثل نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی، نیاز به تعلق و نیاز به احترام. کمبود این چهار دسته نیاز موجب ایجاد انگیزه می‌گردد. انسانی که فکر کند نیاز او در این چهار دسته تأمین نشده، انگیزه سائقی در او به وجود می‌آید که وی را به سوی جبران این نیازها سوق می‌دهد. تا برای مثال وقتی گرسنه است به سمت غذا برود؛ هنگامی که احساس ناامنی می‌کند، در پی رفع ناامنی برآید، و آنگاه که کسی دوستش ندارد، یا به او توجهی نمی‌کند و احساس نیاز به محبت یا احترام دارد، برای ایجاد دوستی یا کسب احترام اقدام کند. هنگام کمبود، نیاز به وجود می‌آید، و این امر موجب ایجاد انگیزه سائق می‌شود تا این نیاز را برطرف سازد. (مزلو، آبراهام اچ، ۱۳۸۶).

در اینجا محقق این نیازها را با پژوهش بر طرف می‌کند. در مرحله اول که با نام نیازهای کمبود از آن تعبیر شد، مانند نیازهای جسمی و فیزیولوژیک، با ایجاد تنشی، فرد در پی رفع نیاز بر می‌آید. ولی همه نیازهای بشری این‌گونه نیست که منشأ آن، کمبودهای چهارگانه باشد. *مازلو* از برخی نیازها با عنوان «نیازهای متعالی» یاد می‌کند. نیازهای متعالی خود به خود، در انسان وجود دارند. طبق نظر *مازلو* این نیازها در سه دسته زیر محدود می‌شود. اما شاید موارد دیگری را نیز به این سه نیاز، بتوان افزود:

۱. نیاز به دانستن؛ ۲. نیاز به زیبایی‌شناختی؛ ۳. نیاز به خودشکوفایی یا تحقق نفس.

در نیازهای متعالی انسان احساس کمبود نمی‌کند تا به طرف رفع آن برود، بلکه همین کنجکاو خود به خود، موجب حرکت انسان به سمت تحقیق است. در این موارد، انسان برای افزایش تنش نه کاهش آن، خودش را به سختی می‌اندازد تا بتواند به آن نیازها، دانستی‌ها و زیباشناسی‌ها برسد، یا به کمال و خودشکوفایی مورد نظر دست یابد. اما در نیازهای اولیه، درد و تنش احساس می‌کند و به سمت درمان درد می‌رود تا آن را از بین ببرد. مثلاً انسانی را در نظر بگیرید که خود را به سختی می‌اندازد و شب‌ها را بیدار می‌ماند تا علمی را بیاموزد، یا بتواند تابلوی زیبایی را نقاشی کند یا به کمالاتی برسد و موجب شکوفایی‌های خویش شود، کمبودی در خود احساس نمی‌کند که او را وادار به فعالیت کرده باشد.

نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که طبق نظریه *مازلو*، اکثر انسان‌ها تا نیازهای جسمی، تعلق، احترام و امنیتشان، تأمین نشود، به دنبال تأمین نیازهای متعالی خود نخواهند بود. البته این مطلب درباره افراد متوسط جامعه قابل قبول است، ولی افراد پرشماری نیز هستند که در نیازهای اولیه کمبود دارند، با وجود این به سمت علم هم می‌روند.

اگر ما در این راه، نظریه *مازلو* را بپذیریم، باید حد نصابی از نیازهای اولیه را تأمین کرد. البته نظریه‌های دیگری مثل نظریه *آدلر* نیز وجود دارد که می‌گوید خود این احساس کمتری یا احساس حقارت یا کمبود، می‌تواند عامل خودشکوفایی فرد شود و انسان با یافتن آن در خویش، به این سمت هدایت می‌گردد.

### سستی در تحقیق

عوامل سستی با عوامل تبدیلی متفاوت است؛ عوامل سستی در تحقیق، عمدتاً به نوع کار باز می‌گردد، اما عوامل تبدیلی به خود شخص مربوط می‌شود. از جمله عواملی که محقق را در ادامه کار سست می‌کند، می‌توان به ابهام در موضوع یا روش تحقیق، سختی کار و دشوار بودن موضوع، یا مشکلات ضمنی‌ای که در مسیر تحقیق به وجود می‌آید، اشاره کرد. مشکلات ضمنی بن‌بست‌هایی هستند که محقق در میانه راه با آن مواجه می‌شود. مثلاً، ابتدا موضوع پژوهش مشخص است، ولی پس از مدتی، بر اثر بروز ابهاماتی در موضوع تحقیق با مشکل مواجه می‌شود و محقق نمی‌تواند مشکل را حل کند. در چنین موقعیتی، محقق برای رفع مشکل خود به تأمل و مراجعه به کتاب‌ها

و منابع جدید نیاز دارد. گره این مشکل، تا حد زیادی، به دست استاد راهنما، مشاور و ناظر باز می‌شود. مشاوره‌ی که فرد را هم از لحاظ علمی و هم در زمینه روش تحقیق راهنمایی کند، و از جهات انگیزشی نیز موجب تقویت وی طرح گردد، و با تشویق و ترغیب و توجه دادن به بزنگاه‌های کار دست او را بگیرد.

عنوان تنبلی بیشتر، به ویژگی‌های شخصیتی فرد باز می‌گردد. اگر این ویژگی‌های شخصیتی، که در علم اخلاق به آن ملکه گویند؛ در فردی راسخ شده باشد، یا حداقل به صورت عادت در آمده باشد، باید پذیرفت که این فرد جدیت، بردباری و تلاش و خصوصیات دیگری را که حداقل نیازهای هر پژوهشی است، در کار خود نخواهد داشت. اما اگر این ویژگی‌ها، جنبه موقت داشته باشند، به خصوص به کمک استاد راهنما یا مشاور برطرف خواهد شد.

### احساس سرگردانی و باتکلیفی در تحقیق

باید پذیرفت که هر مسیری راهنما و راه‌بلد می‌خواهد: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس: ۳۵). پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروز شدن شایسته‌تر است با کسی که هدایت نمی‌یابد مگر اینکه صوابش کنند.

هر کسی بی خضر اندر راه شد      گمراه غولان شد و در چاه شد

درباره این مسئله هم باید بپذیریم که تحقیق، با ظرافت‌های خاص خود، احتیاج به استاد راهنما و راه‌بلد دارد. این راه‌بلد، لاقلاً باید دو خصوصیت داشته باشد:

۱. در زمینه موضوع خاص کارشناس و متخصص باشد، البته لازم نیست مسئله خاص آن تحقیق را حل کرده باشد بلکه باید با پیچ و خم موضوع و مسائل مختلف آن آشنایی و سر و کار داشته باشد.

۲. در اجرای تحقیق، تجربه کافی داشته باشد و با مشکلات آن آشنا باشد تا بتواند در مواردی انگیزه دانشجو را تقویت کند. مثلاً برای دلگرم کردن او بگوید که ما نیز با چنین مشکلاتی مواجه بوده‌ایم و ضمناً راه‌های حل مشکلات را نیز به او نشان دهد. بنابراین، مسلم است کاری بدون استاد راهنما پیش نخواهد رفت و بدون برنامه موفق نخواهد بود. حتی اگر دانشجویی می‌باید تحقیقی را در دو واحد انجام دهد، به استاد راهنما نیاز دارد، و استاد باید ضمن معرفی منابع او را کمک کند، وگرنه این امر موجب اتلاف وقت خواهد بود. استاد راهنما می‌تواند تا حدی مسیر را روشن کند و مراحل را بیان کند و با کمک کردن در گرده‌های خاص، محقق را از سرگردانی و باتکلیفی نجات دهد.

### احساس ناامیدی و بی‌ثمری

۱. یکی از مهم‌ترین عوامل ناامیدی در محققان، به خصوص افراد تازه‌کار، شروع نکردن از موضوعات ساده است. هر تحقیقی علاوه بر شایستگی‌های علمی، فرد نیازمند مهارت در خود تحقیق نیز هست. تحقیق نیز همچون هر کار دیگری مهارت‌هایی می‌طلبد. این مهارت‌ها به تدریج به دست می‌آید. بنابراین، اگر تحقیقات، با موضوعات ساده

- که موفقیت در آنها آسان تر است، آغاز شوند، به لحاظ روانشناختی موجب احساس کامیابی در محقق، و ایجاد اعتماد به نفس در او خواهد گشت. به این ترتیب، او را برای انجام کارهای مشکل تر آماده خواهد ساخت. از این رو، مراکز تعلیم و تربیت و مراکز آموزشی، باید به این نکته مهم توجه بسیار داشته باشند. پژوهشگری که برای اولین بار طرح تحقیقی را ارائه می دهد، در صورتی که موضوع مشکلی را انتخاب کرد، پس از مدتی ممکن است ناامید، سرخورده و درمانده شود؛ چرا که می بایست امر تحقیق را، به صورت مرحله بندی شده از موضوعات ساده آغاز کرد. برای مثال، ابتدا با خلاصه کردن یک کتاب، و سپس، تألیف کتاب با نگاه به چند منبع یا دستگیری تحقیق و فیش برداری و... کار خود را شروع کند. با این شیوه محقق، رفته رفته با مراحل سخت تر آشنا شده در امر پژوهش مهارت کافی پیدا می کند. به علاوه، این شیوه در تقویت انگیزه نیز بسیار مؤثر است مراحل تقویت محقق، خود، باب گسترده ای است که دست کم می توان آن را به شش تا هفت مرحله تقسیم کرد:

- گذراندن این مراحل موجب آمادگی برای پرداختن به موضوعات مشکل تر است و اعتماد به نفس را در پژوهشگر تقویت خواهد کرد. این امر در مباحث انگیزشی اهمیت بسزائی دارد.

نکته دوم، زمان مند بودن تحقیق است که نمی توان از آن چشم پوشید. تحقیق، امری زمان بر و زمان مند است. و محقق همچون کوهنوردی است که در نیمه این راه طاقت فرسا ممکن است مایوس شود. کوهنورد با مشاهده دور دستی قلّه و درازی راه و خطرات و مشکلات آن، ممکن است از فتح قلّه نا امید شود و از ادامه راه باز بماند. تحقیق راهی است صعب العبور و دارای سربالایی؛ هر چند ممکن است فرودهایی نیز داشته باشد، اما علی القائده رو به سوی فراز و صعود دارد. برای رفع این مشکلات، باید از موضوعات قابل دسترس تر استفاده کرد. این نکته غیر از بحث اول است. شاید موضوعی ساده باشد، اما چون تحقیق درباره آن زمان بر است و ممکن است سال ها طول بکشد، همین امر می تواند موجب رکود، خستگی و ناامیدی در کار شود. از این رو، راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱. موضوعاتی را انتخاب کنیم که تحقیق درباره آنها زمان کوتاه تری می طلبد.

۲. مرحله بندی موضوع: اگر موضوعی، برای مثال، به ۵ سال وقت نیاز دارد، آن را به ۵ واحد یک ساله یا ده تا شش ماهه تقسیم بندی کنیم. انجام این کار با کمک استاد مشاور موجب می شود که نمای تحقیق را هم به دست آوریم. علاوه بر آن، در خود احساس خودبستگی و اعتماد به نفس کنیم و پس از رسیدن به پایان هر مرحله به نظر می رسد که تحقیقی مجزا انجام شده است. همان گونه که یک کوهنورد برای فتح قلّه ای بلند، چند ایستگاه پیش روی خود دارد، وقتی به ایستگاه اول رسید، احساس نشاط می کند و می داند که حداقل یک مرحله را با موفقیت گذرانده است. رسیدن به این مرحله، هم انگیزه های برای ادامه راه خواهد بود و هم استراحت در ایستگاه و تجدید قوا. چه بسا پژوهشگر می تواند حاصل تحقیق در مرحله اول را در قالب یک مقاله ارائه دهد و خود را برای مرحله بعد نیز آماده کند. رعایت این نکات فرد را از احساس ناامیدی و بی ثمری نجات خواهد داد.

## نشاط و تحرک در تحقیق

افزون بر آنچه گذشت، عوامل دیگری نیز در ایجاد شور و نشاط در امر پژوهش مؤثرند:

الف. تشویق و ترغیب، از جمله عوامل بسیار موثری است که در فرد نشاط و تحرک و انگیزه ایجاد می‌کند. شایسته است تحقیق در هر مرحله به نظر استاد برسد و مورد اصلاح یا تأیید او قرار گیرد. این تأییدها و تشویق‌ها، خود در ایجاد شور و انگیزه برای ادامه کار بسیار مؤثر است. باید توجه داشت که تأثیر تشویق و ترغیب، اختصاص به کودکان و نوجوانان ندارد، بلکه در بزرگسالی نیز بسیار نقش آفرین است.

ب. جمعی بودن کارها؛ یکی دیگر از راه‌های تقویت انگیزه در امر تحقیق، کار گروهی است؛ چرا که در کارهای اول، ممکن است فرد به زودی از ادامه راه منصرف شود. ولی در کار گروهی انگیزه هر فرد بر دیگر افراد گروه تأثیر مثبت گذاشته، خود سبب ایجاد پتانسیل قوی در هر یک از اعضا خواهد شد.

ج. مطالعات پیرامونی؛ یکی از عوامل محرک و تقویت کننده انگیزه، مطالعات پیرامونی در زمینه موضوع است؛ یعنی مطالعاتی که ممکن است در خود تحقیق اثر نگذارد ولی پیرامون و پاره‌ای از ابعاد موضوع را برای فرد روشن می‌سازد، و او را به موضوع تحقیق علاقه‌مند می‌کند، و هر چه علاقه و تعلق فرد به موضوع بیشتر شود انگیزه او برای ادامه کار و استمرار تحقیق افزون تر می‌گردد.

نکته‌ای که در اینجا باید به یاد آورد، این است که در امر تحقیق، نباید از تنوع غفلت کرد. در کنار هر تمرکزی، تنوع نیز لازم است. فردی که صرفاً به یک موضوع می‌پردازد و همه کارهایش را بر آن متمرکز می‌کند، ممکن است دچار خستگی و دلزدگی شود و از نظر ذهنی و روانی تمایل به ادامه کار را از دست بدهد. از این رو، باید موضوعات جنبی و متنوعی را در نظر بگیرد تا در مواقع فراغت یا خستگی به آنها بپردازد. به ویژه موضوعاتی ساده و دلپذیر همچون شعر و داستان، که خود موجب شور و نشاط روحی‌اند.

د. مسئله‌محوری تحقیق: نکته دیگری که می‌تواند شوق و انگیزه ایجاد کند مسئله‌محور بودن تحقیق است. بهتر است از ابتدا تحقیق خود را با طرح یک مسئله اصلی آغاز کنیم. فرض کنید می‌خواهیم تحقیق کنیم که عوامل گرایش به دین یا دین‌گریزی جوانان چیست؟ در صورتی که هدف اصلی تحقیق، پاسخ به یک سؤال باشد، آن را مسئله‌محور گوئیم. البته می‌توان هسته اصلی سؤال را به ده سؤال فرعی تبدیل کرد و کوشید در ضمن تحقیق، در هر مرحله به یک سؤال پاسخ داد. البته به شرطی که سؤالات رابطه طولی با هم داشته باشند. مسئله‌محور بودن و پاسخ دادن به سؤالات که اصطلاحاً سائق‌شناختی نامیده می‌شود، عوامل مهم ایجاد شور و تحرک در تحقیق است، و اساساً صرف پاسخ دادن به سؤال در انسان انگیزه ایجاد می‌کند. همیشه لازم نیست تشویق و ترغیب بیرونی در کار باشد، بلکه همین که فرد مسئله را حل کند و به جواب برسد، بر سر شوق می‌آید و احساس می‌کند باید تحقیق را ادامه دهد.

ه انگیزه معنوی: مهم‌تر از تمام مواردی که پیش‌تر مطرح شد، انگیزه‌های الهی معنوی‌اند. این انگیزه‌ها می‌توانند مؤثرترین عامل ایجاد شوق و ذوق و نشاط و رغبت برای کار باشند. در تاریخ اندیشه اسلامی محققان و اندیشمندی هستند که به جد می‌توان گفت کار یک مجموعه دایره‌المعارف نویسی را به تنهایی انجام داده‌اند. برای مثال، نوشتن کتاب *جواهرالکلام* که یک دوره فقه استدلالی است و تألیف آن به سادگی از عهده یک فرد بر نمی‌آید، در حدود ۲۰ سال تمام وقت مرحوم صاحب جواهر را به خود اختصاص داد، و مشهور است ایشان حتی به حج رفتند و این تحقیق را ادامه دادند، یا کتاب *اعیان‌الشیعه* نوشته مرحوم سید محسن امین، اثر سترگی است که یک دوره از زندگینامه و آثار بزرگان شیعه را در خود گرد آورده است. این اثر، حقیقتاً یک دایره‌المعارف است که امروزه گردآوری نظایر آن را یک مؤسسه تحقیقاتی باید سرپرستی کند. همچنین کتاب *عبقری الحسان* مرحوم حامد حسین نمونه دیگری از این جمله است. اما رمز این موفقیت‌ها در چیست؟ انگیزه الهی می‌تواند کار را معنادار کند. اینکه فرد، کاری را از روی تکلیف الهی و معنوی انجام دهد، خود موجب ذوق و شوق می‌گردد، و از این امر در روان‌شناسی به «معنا داری» تعبیر می‌شود. در چنین شرایطی فرد هیچ گاه احساس پوچی و خستگی نمی‌کند. در این باره می‌توان به کتاب *ویکتور فرانکل با عنوان در جست‌وجوی معنا* مراجعه کرد. نکته دوم اینکه، انگیزه‌های الهی و معنوی، واقعاً به انسان نیرو می‌بخشند. اگر انسان خود را با خداوند در ارتباط ببیند، این ارتباط در او انرژی ایجاد می‌کند، و این انرژی به صورت شور و شوق و نشاط در او ظاهر می‌گردد. انسان‌های بسیاری را می‌شناسیم که با انگیزه الهی کار می‌کنند و شب و روز برایشان معنا ندارد. مثلاً مرحوم علامه *طباطبائی* در تابستان‌ها از شب تا به صبح مشغول مطالعه و تحقیق و کار بودند. باید توجه داشت که در این راه توسل و توکل نیز نقش بسزایی در موفقیت فرد ایفا می‌کند. وقتی انسان به مشکلی بر می‌خورد و در میانه کار معضلی موجب وقفه در کارش می‌شود، با دعا و توسل می‌تواند از عنایات خداوند و اولیای او مدد گرفته، خود را تقویت کند.

### عوامل فرار از تفکر و تعمق

الف. ساده‌نگری و سهل انگاشتن؛ یکی از عواملی که موجب می‌شود افراد خود را مقید به تعمق و تفکر در موضوعات تحقیقی نکنند، ساده انگاشتن موضوعات و مباحث است. اگر فرد پیچیدگی جهان را دریافته باشد، نمی‌تواند به سادگی از کنار مسائل بگذرد. برای احتراز از این وضع یکی از کارهایی که باید ضمن آموزش مقدمات تحقیق به پژوهشگر القا گردد، پیچیدگی و تو در تو بودن جهان است. اگر پژوهشگر این نکته را دریابد که اقیانوس جهان، اعماق پیچیده‌ای دارد، و صید حقیقت، به سادگی یک تور انداختن نیست، هرگز گرفتار ساده‌نگری و سهل انگاری نخواهد شد. مثلاً اگر محقق بداند که حقیقت نور در فیزیک، به رغم همه تحقیقات و پیشرفت‌های علم، همچنان مبهم است و بداند که در باب ماهیت نور، نظریات متعدد و متفاوت و متعارضی وجود دارد، درباره موضوعات پیچیده‌ای همچون «روح» - که علم ما درباره آن قلیل است - به سادگی اظهار نظر نمی‌کند و زمینه تعمق و تفکر در او رشد می‌کند.



ب. عدم توجه به پیشینه کار: برخی محققان، تحقیق را از آنچه که می‌دانند آغاز می‌کنند و بنای تحقیقشان را بر بنیاد همان دانسته‌های خود می‌نهند، و کار را ادامه می‌دهند. این امر موجب عدم تفکر و تعمق در کار می‌شود. پژوهشگر باید، ابتدا، تمام یا عمده کارهایی را که در زمینه موضوع تحقیقش انجام شده، و نیز نقدهایی که صورت گرفته، ببیند و پس از مطالعه پیشینه آن مسئله وارد تحقیق شود. وقتی فرد با انبوهی از کارهای قبلی مواجه شود و دیدگاه‌های مختلف را مطالعه کند مسلماً با دقت بیشتری وارد بحث می‌شود و این امر، خود، موجب تفکر و تعمق بیشتر می‌شود و پژوهشگر به فکر فرو می‌رود که آیا این حرف درست است یا آن، این رویکرد درست است، یا آن رویکرد، و آیا این نقد صحیح است یا سخن نویسنده و مصنف. پس عدم توجه به پیشینه موضوع، موجب ضعف در تفکر و تعمق خواهد شد. مثلاً در بحث معرفت‌شناسی، فیلسوفی در زمینه تعریف معرفت به «باور صادق موجه»، یک مقاله دو صفحه‌ای نوشته است. درباره همین مقاله در اینترنت حدود یک میلیون نقد وجود دارد. روشن است کسی که می‌خواهد در موضوع «تعریف معرفت»، تحقیقی داشته باشد. اگر بدون توجه به این مقالات، کار خود را ارائه دهد، حاصل تلاش او مقاله عمیقی نخواهد بود. ولی وقتی ابتدا همه یا بخش‌های مهم کارهای گذشته را ببیند و با دقت و تعمق و تفکر وارد شود مسلماً ساده پیش نمی‌رود.

ج. عادت نکردن به تفکر: یکی از اموری که ما باید در صحبت کردن، پاسخ دادن به سؤالات دیگران، و به‌طور کلی در زندگی خود بدان عادت کنیم فکر کردن است. حاصل این امر در تحقیق، - که تفکر در آن برترین جایگاه را دارد، - سرازیر می‌شود. عادت به تفکر باید از اصول زندگی باشد. عادت به پاسخ دادن بی تأمل، و دقت نداشتن در جوانب مسئله، خود می‌تواند از عوامل فرار از تفکر قلمداد شود.

ه: عدم رعایت مراحل تحقیق: مراعات نکردن مراحل تحقیق نیز تا حدودی مانع تفکر می‌شود. ایضاً مفاهیم و تجزیه و تحلیل آنها، ملاحظه پیشینه کار، و سپس بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد مسئله، و بعد جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و... و به‌طور کلی، مراحل تحقیق، خود، مقتضی و مستلزم تفکر و تأمل است.

نکته آخر اینکه حق به سادگی به دست نمی‌آید و ظن و گمان در یافتن حقیقت کافی نیست: «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ». (یونس: ۳۶) آیا واقعاً می‌توان با خواندن چند کتاب یا مقداری داده‌های ابتدایی به یقین و حق رسید؟ تحقیق در موضوع، باید به حدی باشد که بتوان از روی علم اظهار نظر کنیم، این امر نیازمند تلاش و تأمل بسیار است.

### نقش مؤسسات تحقیقاتی در انگیزه پژوهش

بحث‌هایی که تا کنون مطرح شد، عمدتاً از دیدگاه فردی بود؛ یعنی اگر فردی بخواهد محقق شود، این ویژگی‌ها و لوازم را نیاز دارد و با انجام دستورالعمل‌های پیش‌گفته موفقیت بیشتری به دست می‌آورد و می‌تواند بهتر به تحقیق

بپردازد. اما از دید سازمانی، نکاتی را مطرح می‌کنیم. نکته نخست آنکه، اگر مؤسسه یا نهادی می‌خواهد محقق تربیت کند و بعد از طریق این محققان به تحقیق بپردازد، با توجه به نظریه *مازلو*، نیازهای محققان باید در سطحی معقول تأمین شود. فردی که به تحقیق می‌پردازد، نباید دغدغه نیازهای اولیه‌اش را داشته باشد. این نیازها باید با توجه به موقعیت و وظایف فرد تأمین شود. مثلاً، محقق در حدی، و دستیار تحقیق در سطحی پایین‌تر باید تأمین شود. در این زمینه، حتماً باید حد نصاب سازمان‌ها و مؤسساتی که در دنیا به تحقیق می‌پردازند مورد دقت و تأمل قرار گیرد. دوم اینکه، علاوه بر تأمین نیازهای اولیه، باید اقداماتی نیز برای تمدید قوا و روحیه محقق انجام دهیم، کارهایی نظیر تغذیه، استراحت، ورزش و مسافرت و تفریح؛ زیرا تحقیق کاری بس دشوار و انرژی بر است و با بسیاری از کارهای دیگر تفاوت دارد. خود مؤسسات باید تدابیری بیندیشند که بتوانند برای مدت‌های طولانی از همکاری با محقق بهره‌مند شوند، و برای مثال، فرصت‌های فراغتی را نیز به او اختصاص دهند.

نکته سوم، درباره آموزش ضمن تحقیق برای مهارت افزایی است. این آموزش‌ها بر دو دسته‌اند: یک دسته آموزش‌های عمومی برای تحقیق، مثل روش تحقیق، کارگاه‌های عملی با عنوان روش تحقیق، استفاده از ابزار تحقیق، مثل رایانه‌ها، اینترنت، استفاده از منابع اطلاعاتی، آشنایی با بانک‌های اطلاعاتی و آشنایی با زبان آن متون؛ و دسته دیگر شامل مهارت‌های اختصاصی است که در زمینه رشته تخصصی فرد است. اگر محقق، دانش رشته علمی خاص را داشته باشد و روش تحقیق عمومی را نیز بداند باز هم برای انجام تحقیق در رشته تخصصی خود، نیازمند آشنایی با روش تحقیق تخصصی است. برای مثال، روش تحقیق در روان‌شناسی متفاوت با روش تحقیق در جامعه‌شناسی یا فلسفه است و این آموزش‌ها را می‌توان در شکل‌های مختلفی مثل کلاس، کارگاه و... به محقق ارائه داد.

آخرین نکته نیز شرکت در همایش‌های تخصصی در داخل و خارج از کشور است. محقق می‌تواند با ارائه مقاله، یا حتی صرفاً شرکت در همایش‌ها و در مراحل بعد با ارائه مقاله سبب ایجاد اعتماد به نفس در خود شود، و احساس کند که کارهایش مفید است و در جایی عرضه خواهد شد.

## پی‌نوشت‌ها

\* این مقاله در پیش شماره اول نشریه پژوهش (پاییز ۱۳۸۳) منتشر شده بود که به دلیل اهمیت موضوع و اینکه آن نشریه به صورت رسمی تاکنون منتشر نشده است، با اندک تغییر این مقاله در این شماره نشریه (که تغییر نام یافته) منتشر می‌گردد.

## منابع

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، *اصول کافی*، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه.  
 مزلو، آبراهام اچ، ۱۳۸۶، *مذاهب، ارزش‌ها و تجربه‌های والا*، ترجمه علی اکبر شاملو، تهران، آگه  
 — ۱۳۷۵، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، چ چهارم، مشهد، آستان قدس رضوی.